

## نظریه انسجام متنی و محتوایی و نقش آن در اثبات توقیفی

### بودن چینش آیات سوره ممتحنه

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۵

عبدالله میراحمدی؛ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)  
مرجان باوفا؛ دانشجوی دکترا دانش پژوهی سطح چهار حوزه علمیه رفیعه المصطفی

#### چکیده

توقیفی و اجتهادی بودن چینش آیات در سوره‌های قرآن از دیرینه‌ترین اختلاف‌های پژوهشگران علوم قرآنی است. حال آنکه با واکاوی دقیق در دلایل قرآنی، روایی و عقلی اثبات می‌شود که همه آیات قرآن به صورت توقیفی تنظیم شده‌اند. هرچند قائلان به اجتهادی بودن چینش آیات، تنظیم تعداد اندکی از آیات را حاصل اجتهاد صحابه می‌دانند؛ با این حال برخی آیات قرآن را مؤید این اجتهاد ذکر می‌کنند. از نظر آنها، سوره ممتحنه برجسته‌ترین شاهد محسوب می‌شود، چرا که ترتیب نزول آیات این سوره مغایر با توقیفی بودن چینش آیاتش است. در این پژوهش به شیوه توصیف و تحلیل محتوا به استخراج عناصر انسجام متنی و محتوایی، جهت اثبات پیوستگی آیات سوره ممتحنه پرداخته می‌شود. با بهره‌گیری از نظریه انسجام هلیدی و حسن که بر روابط جمله‌های متن و ارتباط منطقی کلمه‌ها و عبارات تأکید دارند، میزان پیوستگی و متنیت سوره ممتحنه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این میان، بازشماری عناصر متنی و محتوایی سوره، افزون بر اثبات وحدت موضوعی و تناسب آغاز و انجام آن، اجتهادی نبودن جایگاه آیات سوره را روشن می‌سازد. چنان‌که سراسر سوره حول محور احکام تولی و تبری و نهی از دوستی مسلمانان با کافران می‌چرخد. به لحاظ تاریخ‌گذاری نیز به احتمال فراوان، سوره ممتحنه پس از سوره احزاب، در اواخر سال ششم تا پیش از فتح مکه در سال هشتم هجری نازل شده است. بر این اساس تفاوتی در ترتیب نزول آیاتش وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: چینش آیات، توقیفی بودن، سوره ممتحنه، نظریه انسجام هلیدی و حسن، انسجام متنی و محتوایی.

## طرح مسأله

از دیرباز دانشمندان علوم قرآنی بر سر چگونگی پیوند آیات با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند. عده‌ای از آنها چنینش فعلی قرآن را محصول عمل و اجتهاد صحابه می‌دانند. گروهی دیگر نیز بیان می‌کنند که در کار تنظیم آیات تنها دستی از وحی نقش‌آفرین بوده و حتی اجتهاد و نظر شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این میان جایی نداشته است. اگر توقیفی و وحیانی بودن چنینش آیات ثابت گردد می‌توان به یکی از مبانی، بلکه اصل و اساس پیوستگی قرآن و وجود هدف جامع در هرسوره استدلال کرد و با تکیه بر این استدلال به تناسب و ارتباط آیات هر سوره پرداخت. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱۳۳/۱؛ ایازی، ۱۳۷۹/۱۶۶) از همه مهم‌تر با تکیه بر توقیفی بودن چنینش آیات می‌توان به کنکاش در غرض اصلی و محورهای ارتباطی هر سوره پرداخت. چنان‌که برخی قرآن‌پژوهان معاصر، وحدت موضوعی سوره‌ها را نتیجه اجتناب‌ناپذیر توقیفیت می‌دانند. (حجازی، ۱۳۹۰: ۱۲) برخی نیز پیوستگی آیات قرآن را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و لازمه عدم قبول پیوستگی، پذیرفتن بی-نظمی و ناهمخوانی میان آیات قرآن به‌شمار می‌آورند. (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۷۳)

مهم‌ترین دلیل قرآن‌پژوهانی که معتقدند در چنینش تعداد اندکی از آیات قرآن صحابه نقش داشته‌اند، عدم همزمانی نزول است. از نظر آنها در مواردی آیات، نزول همزمان و واحد نداشته‌اند؛ ولی به مناسبتی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. چنان‌که علامه طباطبایی بر عدم همزمانی نزول آیه تطهیر باور دارد و معتقد است این عبارت یا به دستور نبی اکرم صلی الله علیه و آله یا پس از ایشان در این محل گذاشته شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۶۶/۱۶) ایشان پیرامون آیه اکمال دین نیز چنین استدلالی ارائه می‌کنند. (همان: ۲۷۲/۵) با این حال شاخص‌ترین سوره‌ای که بسیاری از پژوهشگران قرآنی به عدم همزمانی نزول آیات آن حکم داده‌اند، آیات سوره ممتحنه است. از نظر آنها ترتیب نزول آیات این سوره با هم متفاوت است، چرا که آیات

ابتدایی آن از نظر تاریخی مؤخر از آیات انتهایی آن است. بر این اساس به دلیل عدم ترتیب آیات سوره ممتحنه، چینش آیاتش را باید اجتهادی دانست. در پژوهش حاضر جهت اثبات توقیفی بودن چینش آیات سوره ممتحنه برآنیم با نمایان ساختن عناصر انسجام متنی و محتوایی سوره، به اثبات هم‌زمانی نزول آیات آن و وحدت موضوعی در مقاطع پنج‌گانه سوره پردازیم. از این رو ضرورت دارد پیش از طرح مباحث مربوط به چینش آیات سوره ممتحنه و استخراج عناصر متنی و محتوایی، به صورت مختصر تحلیل دانشمندان علوم قرآنی پیرامون چینش آیات در سوره‌ها و دلایل آنها در اثبات اجتهادی و توقیفی بودن ترتیب آیات را ذکر کنیم.

### ۱. بررسی دیدگاه قرآن‌پژوهان پیرامون چینش آیات قرآن

چینش آیات قرآن به دو صورت توقیفی و اجتهادی تقسیم می‌شود. براساس آن میان علمای علوم قرآنی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده که در ذیل مطرح می‌گردد:

#### ۱-۱. دیدگاه اجتهادی بودن چینش آیات

تعداد اندکی از علما معتقدند در عین اینکه چینش بسیاری از آیات قرآن در سوره‌ها توقیفی است؛ چینش برخی از آنها به اجتهاد صحابه صورت گرفته است. علامه مجلسی و علامه طباطبایی به این رویکرد تمایل دارند. آنها به توقیفی نبودن ترتیب گروهی از آیات در جمع‌آوری قرآن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله معتقد هستند و بیان می‌کنند که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، که خود آن حضرت ناظر در امر کتابت قرآن بوده‌اند، بی‌گمان چنین امری اتفاق نیفتاده و ترتیب، توقیفی بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴/۳۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۷/۱۲-۱۲۸)

## ۱-۱-۱. دلایل قائلان به اجتهادی بودن چینش آیات

قائلان به اجتهادی بودن چینش آیات قرآن، به دو دلیل استناد می‌کنند:

### ۱-۱-۱-۱. عدم تطابق با ترتیب نزول

در برخی از سوره‌های قرآن، ترتیب و تنظیم آیات، مطابق با ترتیب طبیعی نزول نیست و مدرکی نیز وجود ندارد که تنظیم آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهد. یکی از این سوره‌ها، سوره «ممتحنه» است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۹ / ۶۷؛ جوان-آراسته، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۳) که در بخش دوم پژوهش درباره چینش آیات آن به تفصیل بحث خواهد شد.

### ۱-۱-۱-۲. وجود آیات استثناء

منظور از آیات استثناء، وجود آیه مدنی در سوره مکی و آیه مکی در سوره مدنی است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۳۸) باورمندان به اجتهادی بودن چینش برخی آیات مانند زرکشی و سیوطی معتقدند اگر ترتیب تمام آیات سوره‌های قرآن توقیفی باشد باید تمام آیات مکی در سوره‌های مکی و تمام آیات مدنی در سوره‌های مدنی قرار داشته باشند. (جوان آراسته، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

### ۱-۲. دیدگاه توقیفی بودن چینش آیات

اکثر علمای علوم قرآنی معتقدند چینش آیات قرآن در سوره‌ها تنها به دستور الهی در زمان خود پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است. (ابن طاووس، بی تا: ۱۹۴؛ خوئی، بی تا: ۲۳۹-۲۵۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۵۳/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۲۰/۱؛ زنجانی، ۱۳۹۱: ۷۴؛ معرفت، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۲۱؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۶۶-۷۰؛ معارف، ۱۳۷۶: ۵۱؛

بوکای، بی تا: ۳۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۴۲۲/۶؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۹: ۱۵۴؛ فقهی - زاده، ۱۳۷۴: ۲۹ و ۳۰؛ بهجت پور، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱/۶۰؛ صالح، ۱۳۷۲: ۷۰؛ عسکری، ۱۴۱۶: ۲۱۳/۱؛ زرقانی، بی تا: ۱/۲۵۵؛ بلاغی، بی تا: ۱/۱۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵/۱؛ حسن زاده آملی، ۱۳۷۶: ۲۶؛ عاملی، ۱۳۷۷: ۴۷؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۰: ۱۶/۲۵۴-۲۵۹؛ میرمحمدی زرندی، ۱۴۲۰: ۹۱؛ کمالی دزفولی، ۱۳۵۴: ۱۲۳)

## ۱-۲-۱. دلایل قائلان به توقیفی بودن چینش آیات

دلایل قائلان به توقیفی بودن چینش آیات قرآن در چند دسته قابل تقسیم است:

### ۱-۲-۱-۱. دلایل قرآنی

مهم ترین مستندات قرآنی باورمندان به توقیفی بودن چینش آیات عبارت است از: آیاتی که دلالت می کند خداوند قرآن را به نحو خاصی چیده و نظم بخشیده است مانند آیه: ﴿... وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا﴾ (فرقان: ۳۲)؛ آیاتی که در آنها به وضوح جمع تمام قرآن به خدا نسبت داده شده است: ﴿إِنَّ عَلَیْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ فَاِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (قیامت: ۱۷-۱۹)؛ وجود تعبیر «سوره، قرائت و تلاوت» در قرآن که به نوعی بر انسجام و پیوستگی و ارتباط مستحکم دلالت دارند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۴۳۳ و ۱۶۷ و ۶۶۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۹/۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/۱۰۲؛ قرشی، ۱۳۷۸: ۳/۳۵۰ و ۲۷۸)؛ هم سیاقی آیات قرآن که جایگاه آیات و نظم آنها را مشخص می کند. (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

## ۲-۱-۲-۱. دلایل روایی

در روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله به فضایل و ثواب سوره‌ها (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹/۳۶۹ و ۲۹۶)، همچنین قرائت سوره‌ای خاص توسط ایشان اشاره شده است. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۲۱۷؛ خویی، بی‌تا: ۲۵۰؛ معرفت، ۱۳۹۱: ۱/۲۷۵) این احادیث بیانگر آن است که چینش آیات، قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده است. به بیان دیگر، تعبیراتی که حکم سوره را بیان می‌کند، یا حکم برخی آیات آنها را عنوان می‌نماید شاهد بر این است که سوره‌ها نگاشته و نظم و ترتیب خاصی داشته‌اند و ابتدا و انتهای آنها مشخص بوده است. (نقی‌پور فر، ۱۳۸۱: ۲۷۴)

## ۳-۱-۲-۱. دلایل تاریخی

مهم‌ترین شواهد تاریخی که معتقدان به توقیفی بودن چینش آیات در سوره‌ها ذکر کرده‌اند، عبارتند از: دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به قرار دادن آیات تازه نازل شده در سوره‌های نازل شده پیش از آن (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۳۶؛ زرقانی، بی‌تا: ۱/۲۸۲؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۳۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۲۲۰؛ کمالی دزفولی، ۱۳۵۴: ۱۲۳-۱۲۴)؛ عرضه برخی از سوره‌ها توسط صحابه بر پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور ایشان. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۲۴۲-۲۴۳؛ ابوزهره، ۱۳۷۹: ۴۴) دو شاهد فوق به نوعی بیانگر اهتمام فوق‌العاده پیامبر صلی الله علیه و آله در حفظ قرآن از تحریف است. (مظلومی، ۱۴۰۳: ۱/۳۸)

## ۴-۱-۲-۱. دلایل عقلی

شاخص‌ترین شاهد عقلی که قائلان به توقیفی بودن چینش آیات در سوره‌ها به آنها استناد کرده‌اند، تعارض با حکمت و فیاضیت الهی است. تقریر آن بدین گونه است

که بی‌شک بسیاری از پیام‌ها و هدایت‌گری‌های قرآن در نظم و ترتیب آیات آن نهفته است و اگر این نظم به غیر خدا مستند گردد از حجیت ساقط گشته و دست جوامع بشری از یافتن راه هدایت کوتاه می‌گردد. (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۷۵)

## ۱-۲-۱.۵. اجماع

از دیگر دلایل توقیفی بودن آیات قرآن، اجماع اندیشمندان فریقین است. چنان‌که همه اتفاق نظر دارند که ترتیب موجود در مصاحف کنونی همان ترتیبی است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده و او بوده که پیامبر را به‌جای هریک از آیات راهنمایی کرده است. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله با همان ترتیبی که اخذ کرده، بر اصحاب قرائت کرده و کاتبان وحی را دستور داده که آن‌گونه بنویسند و حافظان قرآن نیز با همین ترتیب آن را حفظ کرده‌اند. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۵۳/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۱۴/۱؛ زرقانی، بی‌تا: ۳۴۶/۱)

## ۲. بررسی چینش آیات سوره ممتحنه

سوره ممتحنه شصتیمین سوره قرآن به ترتیب مصحف، مدنی و دارای ۱۳ آیه است. بر اساس گزارش تفاسیر تنزیلی این سوره، پس از سوره احزاب و قبل از سوره فتح نازل شده است. (دروزه، ۱۴۲۱: ۲۶۶/۹) مهم‌ترین شاهد در تاریخ‌گذاری سوره ممتحنه، ارتباط سه واژه کلیدی سوره با واژه‌های سوره‌هایی است که به لحاظ زمانی، نزدیک به آن نازل شده‌اند. واژه نخست، کلمه «اسوه» است. این واژه تنها سه بار در قرآن ذکر شده است که دو تا از آن‌ها در آیه ۴ و ۶ سوره ممتحنه آمده که حضرت ابراهیم علیه السلام را به عنوان الگویی برای مؤمنین معرفی می‌کند. دیگری در آیه ۲۱ سوره احزاب است که پیامبر صلی الله علیه و آله را اسوه و الگویی بزرگ برای

تأسی مؤمنان می‌شمرد. از اینجا می‌توان دریافت که این دو سوره احتمالاً نزولی متقارب داشته‌اند.

کلمه «امتحان» دومین واژه مورد نظر است. این واژه نیز تنها دو بار در قرآن ذکر شده است (ممتحنه: ۱۰؛ حجرات: ۳) که همین مطلب نشان از این دارد که به احتمال زیاد، سوره حجرات و ممتحنه باید نزولی متقارب داشته باشند. «بیعت» سومین واژه مدنظر است. مسأله «بیعت» یک بار در حدیبیه (در سال ششم هجرت) و یک بار در فتح مکه انجام گرفت، بنابراین بحث از «بیعت» غیر از آیه ۱۲ سوره ممتحنه، در دو آیه ۱۰ و ۱۸ از سوره فتح نیز آمده است که باز می‌توان احتمال نزدیکی نزول این دو سوره را مدنظر قرار داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۷/۲۴)

بنابراین از مجموع شواهد فوق می‌توان نتیجه گرفت که سوره ممتحنه در برهه زمانی سال ششم (پس از صلح حدیبیه) تا هشتم هجری (پیش از فتح مکه) نازل شده است. بر این اساس برخی از محققان معتقدند که به نظر می‌رسد سوره ممتحنه یک‌باره نازل گردیده باشد؛ زیرا بین تمامی آیات آن ارتباط لفظی و محتوایی دیده می‌شود. (نکونام و ژرفی یگانه، ۱۳۸۶: ۱) با این حال برخی از علما مانند علامه مجلسی که به اجتهادی بودن چپش آیات معتقد هستند بیان می‌کنند که اگر ترتیب و تنظیم آیات در قرآن توقیفی و مستند به تعیین پیغمبر صلی الله علیه و آله است، باید همه آیات یک سوره به ترتیب نزول باشند؛ در صورتی که مشاهده می‌شود بعضی از سوره‌ها به ترتیب نزول نیست. به عنوان مثال در سوره ممتحنه آیه‌ای که از حیث سبب نزول مؤخر آمده، در ترتیب آیات سوره مقدم آمده است. چنانکه نه آیه اول سوره ممتحنه در سال هشتم هجری در شأن حاطب بن ابی‌بلتعہ نازل شده است. به دنبال این آیات، دو آیه وجود دارد که نزول آن به سال ششم هجری پس از صلح حدیبیه در شأن فرار زنی به نام سبیهه اسلمیه یا کلثوم بنت عقبه، اتفاق افتاده است. نزول آیه دوازدهم در سال نهم هجرت بوده که مربوط به بیعت زنان است. آخرین



آیه این سوره، کاملاً با آیات اولیه از نظر محتوا هماهنگ است. در این صورت نتیجه گرفته‌اند که چینش آیات سوره ممتحنه اجتهادی است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۹/ ۶۷-۷۰؛ جوان‌آراسته، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۳)

براین اساس برای کشف انسجام و پیوستگی آیات یک سوره باید به اسباب نزول آن توجه کرد. بر فرض توقیفی بودن چینش آیات باید فلسفه و حکمتی در ترتیب آیات باشد. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَّلْتُ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ (هود: ۱) اگر پیوستگی آیات ثابت شود، چهره‌ای از اعجاز قرآن هم ثابت می‌شود. (ایازی، ۱۳۷۹: ۱۵ و ۷۱) چون در راستای آن هر سوره‌ای طبق نظر بعضی از مفسران مانند علامه طباطبایی و سید قطب غرضی دارند و این کار از طریق بررسی آغاز و پایان سوره و جریان کلی بحث سیاق آن انجام می‌گیرد.

بنابراین برخی از مفسران قرآن، ارتباط آیات را در سطح سوره‌ها مفروض گرفته و با تکیه بر سیاق سخن و مسکوت نهادن چگونگی ارتباط اکثریت قاطع آنها خود به خود بر مرتبط بودن قسمت عمده قرآن صحه گذاشته‌اند. (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۷) اما عناصر انسجام بخش یک گفتار، متعددند که در یک دسته‌بندی کلی به ساختاری و محتوایی تقسیم می‌شوند. اگر این عناصر در آیات هر سوره از قرآن تناسب داشته باشند، با مبنای توقیفی بودن چینش آیات در سوره‌ها، ارتباط تام دارند. (بهجت‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۲) براین اساس باید هر یک از این عناصر در سوره ممتحنه بررسی شود تا شاهد مثال اجتهادی بودن چینش آیات مردود گردد.

## ۱-۲. تحلیل انسجام سوره ممتحنه

### ۱-۱-۲. تبیین نظریه انسجام سوره‌ها

«انسجام» یا «پیوند» یکی از معیارهای مهم در تحقق متنیت متن است. از نظر زبان-شناسان، «انسجام» (Cohesion) به مناسبات معنایی اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳)

در میان مکاتب گوناگون زبان‌شناسی، مکتب نقش‌گرا بیشترین بررسی را در زمینه متن و انسجام ارائه کرده است. (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۰) مایکل هلیدی استاد زبان‌شناسی دانشگاه سیدنی از مروّجان این مکتب و شاگرد وی، رقیه حسن از شاخص‌ترین کسانی هستند که در ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای زبان مطالعه کرده‌اند.

آنها روابط جمله‌های متن را انسجام متنی نامیده و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«انسجام، مفهوم معنایی است که به روابط معنایی متن اشاره می‌کند و به واقع، موجودیت متن را مشخص می‌کند». (Halliday and Hassan, 1980, p.304) هلیدی و حسن در تشریح رویکرد خود پنج نوع عامل انسجام را که شبکه‌ای از روابط معنایی در سطح متن تولید می‌کنند، ارائه داده‌اند که عبارتند از: ارجاع، جانیشینی، حذف، ارتباط منطقی جملات (ادات ربط) و انسجام واژگانی.

از آنجا که ارجاع، جانیشینی و حذف، عناصر دستوری هستند در ضمن عنوان کلی-تری به نام انسجام دستوری قرار می‌گیرند. (Halliday and Hassan, 1980, pp.303-304)

در این میان انسجام واژگانی مبتنی بر روابطی است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارند. در این گونه از انسجام معمولاً نویسنده یا از تکرار یک کلمه بهره می‌گیرد و یا از اصل تقارن و با هم‌آیی کلمات. بنابراین انسجام واژگانی به دو نوع تقسیم می‌شود: تکرار (خود واژه یا واژه مترادف)، تقارن (با هم‌آیی). (معین‌الدینی، ۱۳۸۲: ۳۱۲)

در مقابل انسجام متنی که به دو گونه کلی انسجام دستوری و واژگانی دسته‌بندی می‌شود، انسجام محتوایی (مضمونی) قرار دارد. منظور ما در این پژوهش از انسجام محتوایی، انسجام پیوندی (معنایی و منطقی) نزد زبان‌شناسان نیست، بلکه مراد ارتباط موضوعی و پیوستگی مضمونی میان آیات یک سوره است. در این میان، قراین گوناگون مانند علامت و نظیر یا مناسبت ظاهری میان دو چیز، مناسبت معنوی میان دو امر - لفظی و معنوی - مانند شرایط و موقعیت صدور کلام (شان نزول)، صفات متکلم، حالات مخاطب، برهان عقلی، حقایق علمی و وقایع خارجی مربوط به مفاد کلام، همه در تحصیل معنای هماهنگ و جامع آیات و سوره‌ها دخالت دارند. (رک: رجبی، ۱۳۸۳: ۸۴) در ادامه با بازشماری دقیق انسجام متنی و محتوایی سوره ممتحنه به اثبات همزمانی نزول آیات سوره و توقیفی بودن چینش آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۱-۲. انسجام متنی سوره ممتحنه

مهم‌ترین عناصر انسجام متنی در سوره ممتحنه عبارتند از:

#### ۱-۱-۱-۲. ارجاع

ارجاع عبارت است از رابطه‌ای که میان یکی از عناصر متن و عنصری دیگر برقرار می‌گردد و با ارجاع به آن چیز دیگر است که عنصر می‌تواند تعبیر و تفسیر شود. عناصر ارجاعی اغلب در رده کلمات اشاری زبان قرار می‌گیرند که در زبان عربی عبارتند از ضمایر و اسماء اشاره (و اسماء موصول). (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱)

با دقت در ضمایر موجود در آیات زیر درمی‌یابیم همگی به مؤمنان مورد خطاب در آیه نخست بازمی‌گردد. عناصر ارجاع در آیه اول سوره ممتحنه عبارتند از: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ

مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَمْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢﴾

در آیات بعدی سوره، ضمایر متصل «واو، کم، تم» آمده است که مرجع همگی آنها، موصول «الذین» موجود در ابتدای آیه اول است. این امر بیانگر ارتباط میان این آیات و انسجام متنی آنهاست.

﴿إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْتَتِهِمْ بِالسُّوءِ وَوَدَّوْا لَوْ تَكَفَّرُونَ﴾ (۲)

﴿لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (۳)  
 ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ...﴾ (۴)

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...﴾ (۶)

﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مُودَةً...﴾ (۷)  
 ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ...﴾ (۸)

﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ﴾ (۹)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٌ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا نَفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

الْكَافِرِ وَ سَلُّوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ أَنْفِقُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

﴿وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا...﴾ ﴿۱۱﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ ﴿۱۳﴾

## ۲-۱-۱-۱-۲. تکرار

یکی از راه‌هایی که سبب انسجام یک متن می‌شود، تکرار واژه یا واژه‌های محتوایی آن متن است. به بیان دیگر، رابطه تکرار هنگامی رخ می‌دهد که بین دو واژه از نظر آوایی و معنایی، تفاوتی وجود نداشته باشد. (نعمتی قزوینی و ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹)

۱. تکرار واژگان مترادف: نمونه تکرار واژگان مترادف را در آیه نخست و سیزدهم سوره ممتحنه می‌توان مشاهده نمود؛ چنان‌که میان کلمات «اتَّخَذَ» و «تَوَلَّى» به دلیل هم‌معنایی رابطه تکرار وجود دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾ (۱)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ (۱۳)

بقاعی معتقد است دلیل تناسب میان آغاز و پایان سوره، عدم «اتَّخَذَ» و عدم «تَوَلَّى» است که در هر دو واژه نهی صریح وجود دارد. او در راز تکرار این دو واژه چنین می‌نویسد: «چون انحراف از راه استوار بر خلاف چیزی است که فطرت ابتدایی به آن امر می‌کند؛ بنابراین بازگشت به این مسیر جز پس از تکرار و تأکید حاصل نمی‌شود». (بقاعی، ۱۴۲۷: ۵۲۹/۱۹)

۲. تکرار عین واژه: مهم‌ترین نمونه‌های تکرار عین واژگان در سوره ممتحنه عبارتند

از:

لفظ «کفروا» در آیات ۱ و ۵: ﴿...وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...﴾ (۱)؛ ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...﴾ (۵)

واژه «موده» در آیات ۱ و ۷: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ...﴾ (۱)؛ ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَةً...﴾ (۷)

لفظ «ربنا» در آیات ۴ و ۵: ﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (۴)؛ ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (۵)

تعبیر «اسوه حسنه» در آیه ۴ و ۶: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾ (۴)؛ ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...﴾ (۶)

مفهوم «اخراج از ديار» در آیات ۱ و ۸ و ۹: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ...﴾ (۱)؛ ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...﴾ (۸)؛ ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...﴾ (۹)

تعبیر «يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ» در آیات ۸ و ۹: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...﴾ (۸)؛ ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ...﴾ (۹)

واژه «بینکم» در آیه ۴ و ۱۰: ﴿...كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا...﴾ (۴)؛ ﴿...ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (۱۰)

جمله «ما انفقوا» در آیات ۱۰ و ۱۱: ﴿...فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ أَتُوهُنَّ مَا انْفَقُوا...﴾ (۱۰)؛ ﴿وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا انْفَقُوا...﴾ (۱۱)

واژه «مؤمنات» در آیات ۱۰ و ۱۲: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ...﴾ (۱۰)؛ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا...﴾ (۱۲)

کلمه «کفار» در آیه ۱۰ و ۱۱ و ۱۳: ﴿...فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ...﴾ (۱۰)؛ ﴿وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ...﴾ (۱۱)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبِئْسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾ (۱۳)

جمله «یا ایها الذین امنوا» در آیات ۱ و ۱۰ و ۱۳: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...﴾ (۱)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ...﴾ (۱۰)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ (۱۳)

۳. تکرار موسیقایی: چنین تکراری نیز سبب انسجام و تناسب متن می‌گردد. از نظر زبان‌شناسان، انسجام آوایی شامل همه عواملی است که باعث می‌گردد کلام به شکلی آهنگین و با هارمونی و هماهنگی در وزن و قافیه ارائه شود. (پاشازانوس، نظری و فولادی، ۱۳۹۴: ۲۹) سجع واژگانی میان فواصل آیات و جناس (همانندی دو کلمه

در لفظ با اختلاف آنها در معنا) شاخص‌ترین نمونه‌های تکرار موسیقایی در سوره ممتحنه است.

گونه‌های سجع (التزام) در سوره که برای انسجام و پیوند آیات استفاده شده است عبارتند از: «بَصِيرٌ» (۳) و «مَصِيرٌ» (۴)؛ «حَكِيمٌ» (۵ و ۱۰) و «رَحِيمٌ» (۷ و ۱۲)؛ «تَكْفُرُونَ» (۲)؛ «ظَالِمُونَ» (۹) و «مُؤْمِنُونَ» (۱۱)

مثال‌های جناس در سوره ممتحنه که در پیوند و ارتباط آیات آن نقش مهمی دارند عبارتند از: «عَدُوِّي وَعَدُوْكُمُ» (۱)، «أَعْدَاءُ» (۲)، «الْعَدَاوَةُ» (۴)، «عَادَيْتُمْ» (۷)؛ «يُخْرِجُونَ» و «خَرَجْتُمْ» (۱)، «يُخْرِجُوكُمُ» (۸) و «أَخْرَجُوكُمُ» و «إِخْرَاجِكُمْ» (۹)؛ «آتَيْتُمُوهُنَّ» (۱۰) و «فَاتُوا» (۱۱)؛ «أَوْلَادِكُمْ» و «أَوْلَادَهُنَّ» (۱۲)

## ۲-۱-۱-۳. ارتباط منطقی جملات (ربط)

ربط عبارت است از وجود ارتباط معنایی بین جمله‌های یک متن. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸) حروف ربط یا پیوندنماها در ارتباط برقرار کردن میان عناصر متوالی متن با یکدیگر نقش اساسی دارند. ادوات ربط در بیشتر موارد ابزاری برای ایجاد تفسیر سخن پیشین به شمار می‌آیند. برجسته‌ترین حروف ربط در زبان عربی «واو» و «أو» هستند که جهت ارتباط منطقی جملات به‌کار گرفته می‌شوند.

ارتباط منطقی آیات سوره ممتحنه با حروف عطف را میان آیه ۱۰ و ۱۱ می‌توان مشاهده کرد؛ چنان‌که آیه ۱۱ با آیه قبل از خود به وسیله «واو» عطف شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۴۴/۲۸) در آیه دهم سخن از پرداخت حق شوهران کافر است و در آیه یازدهم به بیان گرفتن حق خود از آنان می‌پردازد. به این صورت که اگر زن مسلمانی مرتد شد و به دار کفر فرار کرد، اگر شوهر او نتواند مهریه را از کفار بگیرد، باید مهریه را از غنائم پرداخت نمود: ﴿وَآتُوهُمْ مَّا انْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ أَنْ



تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ  
 مَا أَنْفَقُوا... ﴿١٠﴾ ﴿وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ  
 أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا...﴾ ﴿١١﴾

## ۲-۱-۱-۲. انسجام محتوایی سوره ممتحنه

با دقت در مقاطع مختلف سوره ممتحنه و با در نظر گرفتن قرائن پیوسته لفظی و غیر  
 لفظی به انسجام مضمونی و محتوایی آیات آن پی می‌بریم. چنان‌که برخی از محققان  
 یادآور شده‌اند «آیات قرآن دارای قرائن کلامی است که گاهی در آیه قبل و گاهی در  
 آیه بعد و گاهی در فضای حاکم بر کل سوره یافته می‌شود و بدون توجه به این  
 قرائن، مفاد واقعی آیات به‌دست نمی‌آید». (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۸۹) قرائن پیوسته لفظی  
 در بردارنده فضای نزول است که اموری مانند سبب نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان  
 نزول و مکان نزول را دربرمی‌گیرد. (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۸۸) ویژگی‌های موضوع سخن  
 آیات و مخاطبان آن، لحن سخن و مقام آیات از برجسته‌ترین قرائن پیوسته غیر  
 لفظی هستند که در فهم آیات تأثیر دارند. (همان: ۱۳۰)

در این بخش سعی داریم با توجه به سیاق آیات و قرائن پیوسته لفظی و غیر لفظی،  
 انسجام آیات سوره ممتحنه را نمایان سازیم. به‌گونه‌ای که ضمن بازشماری اتحاد  
 حاکم بر بخش‌های پنج‌گانه سوره به اثبات همزمانی نزول آیات آن و توقیفی  
 بودنشان خواهیم پرداخت. معیار بخش‌بندی سوره نیز بر مبنای محتوا و ارتباط  
 موضوعی مقاطع پنج‌گانه است.

## ۱-۲-۱-۲. بخش اول: آیات ۳-۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ إِنْ يُتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسَّنَنَهُمُ بِالسَّوِّ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

برای کشف انسجام مقاطع فوق نیاز است با فضای نزول آیات آشنا شد؛ چنان‌که مفسران پیرامون شأن نزول آیات فوق چنین ذکر کرده‌اند که در سال هشتم هجری، پیامبر صلی الله علیه و آله مخفیانه قصد مکه داشتند، ساره کنیز ابی عمرو بن صیفی بن هشام که در مکه آوازخوان بود از مکه به مدینه آمد... از پیامبر صلی الله علیه و آله طلب طعام و لباس کرد و ایشان دستور دادند به او چیزی دهند. بعد از آن او نزد حاطب بن ابی بلتعہ آمد و چیزی طلبید. او هم برای اهل مکه (از آنجایی که ظاهراً همسر و فرزندان‌ش در مکه بودند و او به این وسیله قصد حمایت آنها را داشت) نامه‌ای نوشت که «بدانید رسول خدا قصد شما دارد، پس آماده قتال باشید» و نامه را به او داد و ده دینار هم به او عطا کرد. ساره هم همراه نامه قصد مکه کرد. جبرئیل امین نیز این خبر را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد و در پی آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام، مقداد اسود و عمار یاسر دستور داد به مکه بروند... و حضرت علی علیه السلام نامه را از آن زن گرفت و به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و خطبه خواند و فرمود: «یکی از شما نامه به اهل مکه نوشته تا ایشان را از قضیه ما آگاه کند، برخیزد و به آن معترف شود وگرنه او را رسوا می‌کنم». پیامبر صلی الله علیه و آله

دوبار تکرار نمودند، بار سوم حاطب برخاست و گفت: «یا رسول الله من صاحب آن نامه‌ام و خدا می‌داند که بعد از اسلام نفاق نورزیده‌ام، قبیله و عشیره‌ام در آنجا هستند و من خواستم که ملاحظه آنان را کرده باشم. رعایت من را کنید». حضرت دستور داد تا او را از مسجد بیرون کنند. وقتی او را به در مسجد بردند، رسول خدا فرمودند تا او را برگردانند که خداوند توبه او را پذیرفته و این آیات را نازل کرده است. (این شأن نزول در منابع زیر با همین مضمون و احیاناً اختلافاتی نقل شده است و بعضی آن را در حدّ تواتر می‌دانند). (شاذلی، ۱۴۲۵: ۶ / ۳۵۳۹؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۱۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴۱۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۲۹۹؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۴ / ۲۹۹؛ قمی، ۱۳۶۳: ۳۶۱/۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۴۴۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۶/۱۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸ / ۱۱۱؛ بحرانی، ۱۴۲۶: ۵ / ۳۵۲؛ مطهری، ۱۳۸۴: ۶ / ۲۲۲)

شأن نزول فوق جدا از تاریخی که برای آن ذکر کرده‌اند، قطعاً قابل پذیرش است، چرا که ظاهر و سیاق آیات، نزول آیه را در مورد شخصی همچون (حاطب بن ابی بلتعه) تأیید می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۲۶) در مورد زمان نامه‌نگاری حاطب، دو گونه روایت وجود دارد: روایات نخست تاریخ آن را مربوط به عزم پیامبر صلی الله علیه و آله برای سفر عمره، پیش از صلح حدیبیه (در سال ششم هجری) بیان می‌کنند و نزول سوره را پس از صلح حدیبیه می‌دانند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸ / ۱۱۶ و ۱۳۷) روایات دوم، زمان نامه‌نگاری و نزول سوره را پیش از فتح مکه (در سال هشتم هجری) ذکر می‌کنند. این روایات در کتاب‌های سیره و منابع متقدم روایی اهل سنت قابل مشاهده است. (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۴۰/۴؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۴ / ۱۵۵۷؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۹۴۱؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۷۳) بر اساس دو قول ذکر شده می‌توان گفت سوره در فاصله زمانی صلح حدیبیه تا فتح مکه نازل شده است؛ امری که بررسی متنی و محتوایی سوره ممتحنه چنان‌که در ادامه خواهد

آمد آن را تأیید می‌کند. دروزه نیز پس از بیان ترتیب نزول سوره ممتحنه که بعد از سوره احزاب و پیش از سوره فتح که به صلح حدیبیه اشاره دارد، چنین می‌نویسد: مضمون سوره و روایات با قوت بر این امر اشاره دارند که سوره ممتحنه پس از صلح حدیبیه و نزدیک به فتح مکه - که دو سال پس از این صلح بود - نازل شده است. (دروزه، ۱۴۲۱: ۹/ ۲۶۶-۲۶۷)

### ۱-۲-۱-۲. بخش دوم: آیات ۴-۶

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ رَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

با دقت در آیات فوق درمی‌یابیم که لحن کلام بیانگر آن است که همان‌طور که در آیه اول به همه مسلمانان به صورت عام و به خاطر به صورت خاص دستور داده شد با کافران دوستی نکند در این آیات نیز توصیه شده که مانند حضرت ابراهیم علیه السلام و همراهانش که از مشرکان بیزاری جستند شما هم بیزاری جوئید و از حضرت ابراهیم علیه السلام تأسی بگیرید. (شاذلی، ۱۴۲۵: ۷/ ۵۵۴؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۵/ ۵۰۱) لذا این آیه با ماقبل خود از لحاظ محتوایی در ارتباط است. همچنان که آیه بعد که تکمیل دعای حضرت ابراهیم علیه السلام و مؤمنان به اوست، نیز چنین است. در این میان، آیه ششم گویی درصدد تأکید و تعلیل مطلب بیان شده در آیه چهارم یعنی اسوه‌پذیری از مشرک‌ستیزان بزرگ است.

۲-۱-۱-۲-۳. بخش سوم: آیات ۷-۹

﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾  
 لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ  
 تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ  
 أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
 الظَّالِمُونَ ﴿﴾

۷۸

حسنا

تأمل در مقاطع فوق ما را به این مطلب رهنمون می‌سازد که خداوند در این آیات، مطالب آیات پیشین را تکمیل، تعلیل و تصدیق می‌نماید. چنانچه بعد از این که در آیات گذشته خداوند به دشمنی کافران و برائت آنها دستور داد، در آیه هفت به محبت بعد از بغض اشاره می‌فرماید؛ زیرا بعد از جدایی اگر آنها موافق با ایمان شما باشند خداوند الفت ایجاد می‌کند. (حوی، ۱۴۰۹: ۵۸۴۹/۱۰) در آیه هشت، خداوند به مؤمنان اجازه داده با کسانی که با آنها پیکار ندارند، ارتباط برقرار کنند. در آیه نهم نیز مؤمنان را نهی کرده که به‌طور عموم با هر کسی که آنها را از خانه هایشان بیرون می‌کنند، ارتباط و دوستی داشته باشند. (آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۵/۵۰۳)

بنابراین فضای سیاق آیات ۹-۱ بیانگر این است که مؤمنان به‌طور مخفیانه به کافران القاء مودت کرده و درصدد برقراری رابطه دوستانه با آنان هستند و وجود پیوندهای خویشاوندی میان مؤمنان با کافران، یکی از عوامل این وضعیت است. (مراغی، بی‌تا: ۶۵/۲۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳۷/۲۸؛ مطهری، ۱۳۸۴: ۲۴۳/۶؛ مکارم، ۱۳۷۱:

۳۵-۳۱/۲۴)

سال دهم، شماره سی و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۲-۱-۲-۴. بخش چهارم: آیات ۱۰-۱۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٌ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٌ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَارِ وَ سَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَ إِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا يَسْرِقْنَ وَ لَا يَزْنِينَ وَ لَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَ لَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

در مقاطع فوق نیز توجه به فضای نزول ضروری است. اکثر مفسران معتقدند شأن نزول آیه دهم در مورد (سبیعه بنت حارث اسلمیه) همسر مسافر مخزومی است که بر خلاف همسرش ایمان آورد و به حدیبیه آمد و مسافر مخزومی هم بر اساس مفاد صلح حدیبیه طلب برگشت او را کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۱۳/۹؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۲۵/۱۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴۱۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳۰۳/۵؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۲۳۲/۴؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۵۱/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۱۵/۸؛ دروزه، ۱۴۲۱: ۲۸۰/۹؛ شاذلی، ۱۴۲۵: ۶/۳۵۴۶)

در اعتبار شأن نزول فوق، نمی‌توان اشکالی وارد کرد و باید آن را هماهنگ با سیاق آیه دانست. اگرچه به ظاهر موضوع آیات ۱۰ و ۱۱ با آیات قبلی متفاوت است؛ ولی با کمی دقت مفسرانی که به تناسب و چینش آیات و همچنین سیاق و هدف هر سوره توجه داشته‌اند؛ توانسته‌اند بین این آیات و موضوع آیات قبل ارتباط برقرار کنند. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۴۳/۶) که در اینجا به سه نمونه اشاره می‌گردد:

الف) عده‌ای از مفسران موضوع سوره را براساس آیه اول، ارتباط اجتماعی بین مسلمانان با کفار می‌دانند که خدا در آن آیه مطالبه می‌کند که مسلمانان با کفار یا یهود دوستی برقرار نکنند. آیات ۱ تا ۹ این ارتباط اجتماعی را تبیین می‌کند و آیات ۱۰ تا ۱۲ یکی از این ارتباطات اجتماعی که ارتباط زوجین است بیان می‌کند. خداوند در این آیات به احکام ازدواج زن مؤمن با کافر اشاره می‌نماید. (بستانی، بی‌تا: ۵۳۸-۵۳۱/۴) برخی از مفسران اگر چه هدف سوره را انقطاع دوستی با کافران دانسته‌اند؛ ولی ارتباط آیات ۱۰ تا ۱۲ را مانند این مفسران بیان می‌کنند. آنها معتقدند در اینجا آیات تشریحی از جمله: معامله زنان مهاجر و بیعت با کسانی که داخل اسلام شده‌اند و جدایی بین زنان مؤمن و همسران کافرشان تنظیم شده است. (شاذلی، ۱۴۲۵: ۳۵۳۹/۶)

ب) برخی از مفسران بیان می‌کنند چون آیه اول سوره ممتحنه مانند سوره مائده با ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ شروع شده است؛ سیاق تمام آیات سوره ممتحنه را با سیاق آیات سوره مائده تطبیق می‌دهند و نظم چینش آیات این سوره را اثبات می‌کنند. براین اساس، استدلال می‌کنند که سوره ممتحنه تنها در راستای یک موضوع که آن هم نهی از موالات کافرین است، صحبت می‌کند. (حوی، ۱۴۰۹: ۵۸۴۹/۱۰)

ج) گروه دیگر بیان می‌کنند که اگر چه مؤمنان به‌طور مخفیانه به کافران القاء مودت کرده و درصدد برقراری رابطه دوستانه با آنان هستند و وجود پیوندهای خویشاوندی میان مؤمنان با کافران، یکی از عوامل این وضعیت است؛ ولی خداوند مؤمنان را از برقراری رابطه دوستانه با کافران و توکی ایشان نهی می‌کند و این وضعیت سبب خواهد شد که به زودی زنان مؤمن از جامعه کفر به جامعه اسلام پناهنده شوند. پس لازم است که هم مؤمنان و هم پیامبر صلی الله علیه و آله تکلیف خود را درباره آنان بدانند. براین اساس، در آیات گذشته سخن از «بغض فی الله» و قطع پیوند با دشمنان خدا و در آیات مورد بحث سخنی از «حب فی الله» و برقرار ساختن پیوند با کسانی

که از کفر جدا می‌شوند و به ایمان می‌پیوندند، مطرح می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶/۲۴)

بنابراین اگر چینش آیات سوره ممتحنه اجتهادی باشد باید آیه دهم را آغازگر این سوره بدانیم در صورتی که اگر این گونه می‌بود، مسئله‌ای فرعی به عنوان اصل و در آغاز سوره قرار می‌گرفت و نهی اصلی خداوند به عنوان مسئله‌ای ضمنی در میان سوره مطرح می‌شد. (خرقانی، ۱۳۷۸: شماره ۱۹ و ۲۰)

در خصوص شأن نزول آیه دوازدهم، قریب به اتفاق مفسران، آیه ۱۲ را مربوط به روز فتح مکه می‌دانند که پیامبر صلی الله علیه و آله به کوه صفا آمدند و با رجال مکه بر اسلام و جهاد بیعت کردند که زنان هم ایشان را مبیعه نمودند. خداوند نیز به شروط مطرح در آیه، پیامبر خود را به بیعت با آنان امر نمود. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۱۴/۸؛ بحرانی، ۱۴۲۶: ۳۵۶/۵؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۱۲۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۵/۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴۱۹/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳۰۴/۵؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۴/۳۰۴؛ قمی، ۱۳۶۳: ۳۶۴/۲؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۵۲/۴)

پیرامون ارزیابی شأن نزول فوق می‌توان گفت ظاهراً بنابر نظر بعضی از مفسرین این آیه بعد از فتح مکه نازل شده؛ ولی همه مطالب سوره به یکدیگر وابسته هستند. از این جهت فرقی نمی‌کند که آیات با هم نازل شده باشند یا نه. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۴۳/۶) در این صورت از آنجایی که آیه شریفه قصد عنوان بیعت خاصی در زمان و مکان ویژه‌ای را ندارد، اختصاص آن به فتح مکه لازم به نظر نمی‌رسد. (نکونام و ژرفی یگانه، ۱۳۸۶: ۷)

بنابراین آیه دوازدهم آثار امتحان زنانی که در آیات گذشته ذکر شده را کامل می‌کند، پس براساس دیدگاه برخی از مفسرین اخباری که متذکر می‌شود این آیه در فتح مکه نازل شده صحیح نیست و منشأ آن اختلاط در حوادث و اشتباه مکرر بوده است. (ابن



عاشور، ۱۴۲۰: ۱۴۶/۲۸) در این صورت براساس انسجام محتوایی سیاق آیات ۱ تا ۱۲ می‌توان نتیجه گرفت که کافر معاند از سه حالت خارج نیست:

۱. بر عنادش استمرار دارد؛ مانند آزر عموی حضرت ابراهیم علیه السلام: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾؛

۲. امیدواری از کافر معاند که عنادش را ترک کند: ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛

۳. کافری که عنادش را ترک می‌کند و تسلیم می‌شود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...﴾ (مراغی، بی‌تا: ۷۲/۲۸)

در پایان باید متذکر شد که به دنبال هر واقعه‌ای لازم نیست آیاتی نازل گردد. چه بسیار اتفاق افتاده که چند واقعه مرتبط به یکدیگر رخ داده سپس آیاتی به یکباره نازل گردیده‌اند که ناظر به همگی آنها هستند. لذا می‌توان گفت که ممکن است قضیه حاطب و زنان مهاجر در فاصله زمانی بسیار متقارب به وقوع پیوسته و خداوند هم کل این سوره را در شأن آنها نازل کرده باشد. گرچه این احتمال هم قابل قبول است که خداوند قبل از وقوع قضیه زنان مهاجر و حتی قبل از صلح حدیبیه، حکم مربوط به آنان را وحی کرده و به نوعی از غیب خبر داده است.

۲-۱-۱-۲-۵. بخش پنجم: آیه ۱۳

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْئَسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾

با تأمل در آیه فوق درمی‌یابیم که مفهوم و معنای قصد شده در آیه اول سوره به بیانی دیگر عنوان شده است. پس انسجام متنی و محتوایی بین اولین آیات سوره ﴿یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ... ﴿﴾ و آخرین آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ وجود دارد؛ زیرا آیه سیزدهم تأکید کرده که مسلمانان با کفار و منافقین به خاطر این که به آنها ضرر می‌زنند، دوستی نکنند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۵۱/۲۸؛ آل غازی، ۱۳۸۲: ۱۰/۶؛ مطهری، ۱۳۸۴: ۲۵۸/۶؛ نکونام و ژرفی یگانه، ۱۳۸۶: ۸؛ خرقانی، ۱۳۷۸: شماره ۱۹ و ۲۰)

همچنین از نظر ادب پژوهان قرآنی، در انسجام محتوایی این سوره، یکی از محسنات معنوی به نام «استطراد»<sup>۱</sup> وجود دارد. چون خداوند از هدفی که در کل سوره [دستور به همه مسلمانان مبنی بر عدم دوستی با کافران] داشته به سوی هدف دیگر [داستان معامله با کسانی که با مسلمانان نمی‌جنگند یا قصد جنگ دارند و معامله با زنان مهاجر] بیرون رفته است؛ به جهت مناسبتی (احکام معاشرت با کفار) که بین آن دو هدف وجود دارد، سپس در آیه ۱۳ به سوی هدف اصلی سوره بازگشته تا آن سوره را به اتمام برساند. (صافی، ۱۴۱۸: ۲۲۹/۲۸)

## ۲-۱-۱-۲. نتیجه نهایی چینش آیات سوره ممتحنه

سراسر سوره ممتحنه دارای ساختاری منسجم و هماهنگ به لحاظ متنی و محتوایی است و از وحدت موضوعی برخوردار است. این سوره احکام تولی و تبری، نهی از مودت دشمنان دین، بر حذر داشتن مؤمنین از جاسوسی برای دشمن را بیان می‌کند. سوره با اشاره به داستان جاسوسی برای دشمن، یعنی قصه «حاطب بن ابی بلتعه» آغاز می‌گردد، سپس در ضمن تشریح احکام تولی و تبری، یکی از آن احکام را، که پناه جستن زنان تازه مسلمان و فرار ایشان از بلاد کفر است، در ضمن اشاره به داستان «سبیعه بنت حارث اسلمیه» که خود یکی از آنها است، بیان می‌نماید. بنابراین با تأمل

در سوره ممتحنه نظم عالی قرآن معلوم می‌شود که مهم‌ترین موضوعات همچون عنوان در صدر قرار گرفته و به دنبال آن، احکام ذکر شده تنظیم گردیده است. بر این اساس در کل سوره ممتحنه به رخداد زمانی خاصی تصریح نشده و تنها می‌توان آیه دهم را اشاره‌ای دانست که بعد از «صلح حدیبیه» نازل شده است. بر طبق روایاتی که ترتیب نزول سوره‌های قرآن را مشخص می‌کنند، سوره ممتحنه بعد از سوره احزاب قرار گرفته است (دروزه، ۱۴۲۱: ۲۶۶/۹) و سوره احزاب با توجه به محتوایی که دارد، قطعاً بعد از جنگ خندق نزول یافته و از آنجایی که جنگ خندق در شوال سال پنجم هجری رخ داده است (طبری، ۱۳۷۵: ۹۴۷/۳؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۹۱/۱؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۴۹/۲) بر این اساس سوره ممتحنه می‌بایست بعد از این تاریخ نازل شده باشد. بنابراین به احتمال زیاد، سوره ممتحنه در اواخر سال ششم تا پیش از فتح مکه در سال هشتم هجری (بعد از سوره احزاب) نازل شده است و همچنان که بیان شد مطالب آیه دهم نیز می‌تواند نوعی اخبار از آینده باشد.

### نتیجه‌گیری

یکی از شواهد قائلان به اجتهادی بودن چینش آیات قرآن در سور، آیات سوره ممتحنه است. مدعای این افراد، عدم تطابق این سوره با ترتیب نزول آن است. به این معنا که آیات ابتدایی آن از نظر تاریخی مؤخر از آیات انتهایی آن است. حال آنکه با بازشماری عناصر انسجام متنی (مانند ارجاع، تکرار و ربط) و محتوایی (مانند قرائن پیوسته) به این نتیجه می‌رسیم که سراسر سوره ممتحنه دارای وحدت موضوعی و پیوستگی است. همچنین با ملاحظه در این سوره نظم عالی قرآن مشخص می‌شود که مهم‌ترین موضوعات همچون (عدم موالات مسلمانان با کافران) در صدر قرار گرفته و به دنبال آن احکام مربوط به آن تنظیم گردیده است. بر این اساس، مفسرانی که به پیوستگی و تناسب آیات و همچنین وجود اهداف در هر

سوره‌ای معتقد هستند به روش‌های گوناگونی انسجام آیات سوره ممتحنه را تبیین می‌کنند که در پژوهش به سه نمونه اشاره شد. در کل در سوره ممتحنه به رخداد زمانی خاصی تصریح نشده و تنها می‌توان آیه دهم را اشاره‌ای دانست که بعد از «صلح حدیبیه» نازل شده است. بنابراین این سوره به صورت کامل و یکجا، به احتمال زیاد پس از سوره احزاب، در اواخر سال ششم تا پیش از فتح مکه در سال هشتم هجری نازل شده است.

#### پی نوشت‌ها:

۱. استطراد از انواع اسلوب‌های علم بدیع است که در آن گوینده یا نویسنده، مطلبی را که درباره آن سخن می‌گفت به یکباره رها کرده، به بیان مطلبی دیگر بپردازد، سپس دوباره به موضوع اصلی سخن، بازگردد. (عسکری، ۱۴۰۶، ص ۴۱۴)

#### منابع:

#### قرآن کریم:

۱. آقاگل‌زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
۲. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۳. آلوسی، محمودبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند ابن حنبل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۷. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۵ش.
۸. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه لابن هشام، قم، مکتبه المصطفی، ۱۳۵۵ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم، دارالذخائر، بی‌تا.

۱۰. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیرالتحریر والتنوير، بيروت، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۲. ایازی، سید محمد علی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۸ش.
۱۳. ایازی، سید محمد علی، چهره پیوسته قرآن، تهران، مؤسسه پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۷۹ش.
۱۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارابن کثیر، ۱۴۱۰ق.
۱۶. بستانی، محمود، التفسیر البنایی للقرآن الکریم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، بی‌تا.
۱۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۱۸. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، بی‌تا.
۱۹. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان بلخی، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۲۰. بوکای، موریس، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد، بی‌تا.
۲۱. بهجت‌پور، عبدالکریم، مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم، قم، التمهید، ۱۳۹۳ش.
۲۲. پاشازانوس، احمد، نظری، علیرضا و فولادی، مریم، «تحلیل عناصر نقشمند در انسجام‌بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
۲۳. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۵ش.
۲۵. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
۲۶. حجازی، محمد محمود، الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۰ق.
۲۷. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.

۲۸. حسن‌زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده: ترجمه فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، قم، قیام، ۱۳۷۶ش.
۲۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۳ش.
۳۰. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
۳۱. حویزی، عبدالعلی عروسی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۳۲. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۳۳. خرقانی، حسن، «و حیانی بودن ساختار قرآنی»، پژوهشهای قرآنی، سال ۵، شماره ۱۹-۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ش.
۳۴. خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۳۵. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۳۶. ذوقی، امیر، «نگره ای جدید درباره انسجام متنی سوره های قرآن»، مطالعات قرآن و حدیث، سال ۶، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش.
۳۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم، شریعت، ۱۴۲۳ق.
۳۸. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۳۹. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۰. زرکشی، محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۴۱. زنجانی، ابو عبدالله، ابو عبدالله زنجانی و تاریخ قرآن، مترجم علی محمدی، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۱ش.
۴۲. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآنی، قم، مؤسسه امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹ش.
۴۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدرالمشهور فی تفسیرالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۴۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
۴۵. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵ق.

۴۶. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۴۷. صافی، محمود، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه، دمشق، دارالرشید، ۱۴۱۸ق.
۴۸. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۲ش.
۴۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۵۱. طبری، محمد بن حریر، تاریخ الطبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ش.
۵۲. عاملی، سیدجعفر مرتضی، حقایق مهم پیرامون قرآن، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۵۳. عسکری، حسن بن عبدالله، الصناعتین، بیروت، المكتبه المصریه، ۱۴۰۶ق.
۵۴. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم وروایات المدرستین، تهران، مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۵۶. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
۵۷. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
۵۹. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۲ق.
۶۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، عربی، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۶۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۶۲. کاشانی، فتح الله، خلاصه المنهج الصادقین، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ق.
۶۳. کمالی دزفولی، علی، قانون تفسیر، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۵۴ش.
۶۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۵. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۶۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ش.
۶۷. مظلومی، رجبعلی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، تهران، آفاق، ۱۴۰۳ق.
۶۸. معارف، مجید، پرسش و پاسخ هایی در شناخت تاریخ قرآن و علوم قرآنی، تهران، کویر، ۱۳۷۶ش.
۶۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه جواد ایروانی، قم، تمهید، ۱۳۹۱ش.
۷۰. معین‌الدینی، فاطمه، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، مجله فرهنگ، سال ۱۶، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۲ش.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۷۲. مهاجر، مهران و نبوی، محمد، به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶ش.
۷۳. میرمحمدی زرندی، سیدابوالفضل، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، تهران، النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
۷۴. ناصح، علی احمد، «کاربرد روایات در اثبات چینش توقیفی آیات»، علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲۴، اسفند ۱۳۸۱ش.
۷۵. نعمتی قزوینی، معصومه و ایشانی، طاهره، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۰، شماره ۷۴، بهار ۱۳۹۴ش.
۷۶. نقی‌پور فر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر قرآن، تهران، اسوه، ۱۳۸۱ش.
۷۷. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، قم، هستی‌نما، ۱۳۸۰ش.
۷۸. نکونام، جعفر و ژرفی‌یگانه، زهرا، «تاریخ‌گذاری سوره مبارکه ممتحنه»، تحقیق درسی، موجود در وبلاگ: <http://nekoonam.persiangig.com/> ۱۳۸۶ش.
۷۹. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعة، تهران، مکتبه الإسلامیة، ۱۴۰۰ق.
۸۰. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش.

81. Halliday, M, A, K and Hassn, R, Cohesion in English, Great Britain, Longman, 1980.